راز ناپدید شدن مرد کافه دار در سینه دکتر طب سنتی بود



گروه حوادث: مرضیه همایونی/ پیگیری‌های زن جوان برای یافتن پدر ثروتمندش که ۵سال به شکل مرموزی ناپدید شده بود راز قتل او را به دست یک متخصص طب سنتی فاش کرد.

به گزارش خبرنگار «ایران»، صبح بارانی یکی از روزهای پاییزامسال زنی جوان آماده شد تا به اداره آگاهی برود. شوهرش که تعجب کرده بود پرسید: در این هوای بارانی و سرد کجا می‌روی؟

زن جوان گفت: «دنبال پدرم. هر چه در این سال‌ها به حرف همسرش گوش کردیم و دنبال پدرم نرفتیم کافی است. فقط نشستیم و نگاه کردیم و فکر کردیم همسرش راست می‌گوید اما حالا که رفته مهریه‌اش را به اجرا گذاشته و همه اموال پدرم را تصاحب کرده مطمئنم گم شدن پدرم زیر سر خودش است. باید بروم اداره آگاهی و بالاخره بفهمم چه بلایی سر پدرم آمده است.»

بعد هم بدون آنکه منتظر جوابی از همسرش باشد، در خانه را پشت سرش بست و سوار بر خودروش به سمت اداره آگاهی حرکت کرد. وقتی وارد اداره چهام پلیس آگاهی شد با راهنمایی یک مأمور جوان به سمت میز یکی از افسران اداره هدایت شد.

زن جوان وقتی مقابل سرهنگ صالح عبدی‌نژاد قرار گرفت گفت: «پدرم سال ۱۴۰۰ به طرز مشکوکی ناپدید شد. همسر سوم پدرم که زنی جوان است و پدرم با او زندگی می‌کرد به ما گفت که پدرتان را دستگیر کرده‌اند.»

سرهنگ نگاهی به او انداخت و گفت: «بفرمایید روی صندلی بنشینید و از ابتدای ماجرا تعریف کنید.»

میترا روی صندلی نشست و ادامه داد: «پدرم سه بار ازدواج کرد. من حاصل ازدواج دوم او هستم و تنها دخترش. پدرم از همسر اولش هم فرزند دارد. او بعد از طلاق مادرم با فیروزه ازدواج کرد. البته او هم مطلقه بود. در ۱۰ سالی که با پدرم زندگی می‌کرد صاحب فرزند نشد. در این ۱۰ سال خیلی برای پدرم خرج تراشی می‌کرد هر چه می‌خواست پدرم نه نمی‌گفت؛ تفاوت سنی شان هم زیاد بود. پدرم زمانی که با فیروزه ازدواج کرد ۵۳ سال داشت و فیروزه ۲۰ سالی از او کوچک‌تر بود. یک روز خیلی ناگهانی پدرم ناپدید شد و به هر جایی که فکرش را بکنید سر زدیم از بیمارستان‌ها و کلانتری‌ها گرفته تا...» مکث کوچکی کرد و ادامه داد: «حتی به پزشکی قانونی هم سر زدیم اما از پدرم خبری نبود.»

ردپای متخصص طب سنتی

میترا ادامه داد: «وقتی پیگیر ماجرا بودیم و شکایت کردیم فیروزه به ما گفت پدرم را به خاطر مسائل سیاسی بازداشت کرده‌اند و اگر شما هم پیگیر باشید برایتان دردسر می‌شود. راستش تعجب کردیم چون پدرم اصلاً اهل کارهای سیاسی نبود اما فکر کردیم او راست می‌گوید. بعد هم مدعی شد که پدرمان بعد از آزادی موقت از کشور خارج شده است. تا اینکه چند ماه قبل فهمیدیم فیروزه مهریه‌اش را به اجرا گذاشته و تقریباً همه اموال پدرم را تصاحب کرده است. پدرم با اینکه بازنشسته بود اما وضع مالی خوبی داشت، او خانه‌ای قدیمی و سه طبقه را تبدیل به کافه کرده بود و درآمدش خیلی خوب بود. در تمام این مدت حسی درونم می‌گفت که فیروزه دروغ می‌گوید و از سرنوشت پدرم مطلع است.»

با صحبت‌های زن جوان، افسر پرونده به سراغ پرونده‌های راکد اداره آگاهی رفت و با پیدا کردن شکایت اولیه این خانواده و بررسی پرونده متوجه شد آنها بعد از مدتی دیگر پیگیر پرونده نشده‌اند و راکد مانده است. با شکایت جدید دختر این مرد گمشده، تحقیقات آغاز شد. استعلام از پلیس نشان می‌داد ادعای همسر وی درست نبوده و او حتی یک روز هم بازداشت نشده و هیچ سابقه کیفری ندارد. همین موضوع شک افسر پلیس را به فیروزه بیشتر کرد.

در ادامه تحقیقات کارآگاهان پی بردند که فیروزه با یک متخصص طب سنتی که در زیرزمین کافه مرد گمشده مشغول به کار است ارتباط پنهانی داشته است. مهم‌ترین سرنخ زمانی به دست آمد که در تحقیقات ویژه پلیسی مشخص شد مرد گمشده آخرین روز با همین دکتر سنتی به نام بهزاد از محل کارش خارج شده و دیگر کسی او را ندیده است.

اعتراف تلخ

همین مسأله احتمال دست داشتن دکتر سنتی را در ناپدید شدن مرد سالخورده تقویت کرد و باتوجه به روابط پنهانی او با فیروزه؛ پس از هماهنگی‌های قضایی، او بازداشت شد. بهزاد که ابتدا منکر دخالت در ماجرا بود در برابر مدارک پلیسی به قتل اعتراف کرد.

بهزاد وقتی مقابل افسر پرونده نشست گفت: «می‌خواهم حقیقت را بگویم. از پنهان‌کاری خسته شده‌ام. ۵ سال است که با عذاب وجدان زندگی می‌کنم. من نمی‌خواستم مرتکب جنایت شوم، فقط از خودم دفاع کردم تا کشته نشوم. اما ای کاش خودم کشته شده بودم.»

وی درباره آشنایی‌اش با مقتول گفت: «من دکتر طب سنتی بودم و شاهرخ و همسرش برای درمان بیماری‌هایشان نزد من می‌آمدند. کم کم با هم صمیمی شدیم؛ در آن زمان دنبال محلی بودم که مطبم را به آنجا منتقل کنم اما کرایه‌ها خیلی سنگین بود و توانایی پرداخت هزینه‌ها را نداشتم. شاهرخ که از ماجرا باخبر شد، پیشنهاد داد که به زیرزمین کافه‌اش بروم و در آنجا مشغول به کار شوم و من هم پذیرفتم. در این میان همسرش فیروزه که هر روز به کافه می‌آمد گاهی هم به من سر می‌زد. از زندگی‌اش راضی نبود می‌گفت شوهرش پیر است و او از این موضوع خسته شده است. همین مسائل باعث شد با هم ارتباط بیشتری پیدا کنیم اما هرگز نمی‌خواستم شوهرش را بکشم تا اینکه شوهرش به ما شک کرد. رفتارش با من تغییر کرده بود و من متوجه شده بودم. روز حادثه شاهرخ از من پرسید کجا می‌روی؟ گفتم می‌خواهم بروم شهریار. او گفت: من هم شهریار کار دارم بیا باهم برویم. معمولاً او همیشه پیشنهاد می‌داد که باهم غذا بخوریم یا می‌گفت در مسیر آهنگ گوش بدهیم، یا آهنگ می‌گذاشتم با آهنگ زمزمه می‌کرد اما آن روز در مسیر حتی یک کلمه هم با من حرف نزد. فقط می‌گفت می‌خواهد زمینی را ببیند و بخرد.»

متهم درباره لحظه قتل گفت: «وقتی به شهریار رسیدیم شاهرخ مرا مدام ازاین خیابان به آن خیابان می‌برد به مکانی خلوت رسیدیم منطقه‌ای دور افتاده و پرت بود کسی آنجا نبود در کنار زمینی از من خواست توقف کنم. به محض اینکه توقف کردم اسلحه‌ای بیرون آورد و به من گفت چرا با همسرم در رابطه‌ای؟ من به تو این همه خوبی کردم و تو باید جواب خوبی مرا اینطوری می‌دادی؟ خیلی ترسیده بودم به او گفتم اشتباه می‌کنی. اما خودم هم می‌دانستم که دروغ می‌گویم. به ناچار درگیر شدیم. او سنگین وزن بود با یک دستم اسلحه را گرفتم که شلیک نکند اما ناگهان تیری از اسلحه شلیک شد و به او اصابت کرد که کشته شد. نمی‌دانستم چه کار کنم فقط به ذهنم رسید جسدش را دفن کنم. بیل و کلنگی تهیه کرده و همانجا گودالی حفر کرده و جسد را داخلش دفن کردم و به تهران بازگشتم. این ماجرا از ساعت حدود ۷ شب شروع شد و تا بامداد روز بعد ادامه یافت. آنقدر حالم بد بود که در این مدت تلفنم را پاسخ ندادم و بعد از دفن جسد هم گوشی را خاموش کردم. سه روز بعد به همانجا رفتم تا ببینم کسی پیدایش کرده یا نه که دیدم کسی متوجه نشده و بعد برای اطمینان خاطر سیمان خریدم و رویش را سیمان گرفتم تا به مرور زمان جسد پیدا نشود.»

مرد جوان درباره ارتباطش با فیروزه گفت: «این زن ضربه بدی به من زد. من همسر داشتم از خانواده‌ای سرشناس و محترم؛ او به شکل یک ناشناس عکس‌های من و خودش را برای همسرم فرستاد تا آبرویم را ببرد موفق هم شد چون وقتی همسرم عکس‌ها و پیام‌ها را دید، درخواست طلاق داد و جدا شدیم. بعد هم سناریوی دستگیری شاهرخ را برای فرزندانش گفت تا مانع شکایت و پیگیری آنها شود. بعد هم مهریه‌اش را به اجرا گذاشت و اموال شوهرش را تصاحب کرد.»

با اعترافات متهم فیروزه نیز بازداشت شد و تحقیقات از او ادامه دارد.

خبر

پویش آزادی زنان زندانی بدهکار در تجمعات شبانه

گروه حوادث: ستاد دیه کشور با همکاری فعالان مردمی از ایام شهادت حضرت زهرا سلام‌الله علیها تا ولادت حضرت صدیقه طاهره(س) پویش انسان‌دوستانه «هر میدان، آزادی یک زندانی غیرعمد» با محوریت استخلاص زنان بدهکار مالی را در تجمعات شبانه برگزار خواهد کرد.

سید اسدالله جولایی رئیس هیأت امنای ستاد دیه کشور گفت: «تداوم تجمعات در کنار ابعاد مختلف خود در حوزه دفاعی و معنوی، کارکردهای قابل‌توجهی در جامعه ایران داشته است که یکی از این کارکردهای متعدد، احیای امر اجتماعی کمک به همنوع و اهتمام ملت مبعوث برای مساعدت به مستمندان است که در کنار خلق یک حماسه ملی به معضلات و مشکلات آحاد مردمی نظر دارد. معضلاتی دایر بر تنگدستی یک زندانی و خانواده نیازمند او در تأمین دیون شخصی و ادای برخی مطالبات حقوقی که با تأخیر در تادیه میزان آن برای تسویه روز به روز بیشتر هم شده است.»

جولایی اظهار کرد: «شاید بتوان این تلاش مقدس را اولین تجربه جهانی دانست که ایرانی‌ها از بطن یک اجتماع حماسی، با حمایت نقدی برای استخلاص دربندان محکوم به جرایم غیرعمد در ایام خاصی از تاریخ این سرزمین شگفتی‌ساز شدند.» ستاد مردمی دیه به عنوان متولی اصلی آزادی زندانیان جرایم غیرعمد همواره با اتکا به همین برکات نوع‌دوستانه و با اهتمام به ماهیت غیردولتی خود سعی داشته و دارد از هر فرصت و مناسبت تقویمی برای کاهش جمعیت بیش از بیست هزار زندانی جرایم غیرعمد استفاده کرده و با جذب حداکثری کمک‌های نقدی بعضاً به ظاهر کم اتفاقات بزرگ و مبارکی را رقم زند.

وی تصریح کرد: «آزادی یک زندانی غیرعمد در استان قم با نذر والدین شهید دانش‌آموز احسان قاسمی در اولین تولد این جان‌فدای وطن مؤید همین امر است، برپایی پویش رهایی زندانی به تاسی از آقای شهید ایران برای بازماندگان پیاده‌روی اربعین به تاسی از قائد شهید امت که همواره دغدغه آزادی زندانیان غیرعمد را داشتند، گواه همین واقعیت است یا گره گشایی و ابثار ماندگار خانواده شهید محمد ساریخانی در آزادی یک زندانی بدهکار مالی تحت حمایت ستاد دیه استان فارس متذکر همین حقیقت آشکار است.»

یک جدول با دو شرح جدول روزنامه ایران دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید. **۹۱۷۹**

جدول عادی

افقی

۱- بازرگان و سوداگر - از آثار تاریخی استان تهران که در ارتفاعات مشرف به شهر دماوند واقع شده است
۲- مقابل «حاد» - ویرگول - مخلص
۳- آلودگی، ناپاکی - خشک - پنجم عرب
۴- از ملزومات خطاطی - چهره‌بردار - در عرب
۵- مایع رفع عطش - علم و دانش - تیم خرم‌آبادی لیگ برتر این فصل
۶- کشور آسیایی - مکر - صاف و شفاف - تاقچه قدیمی
۷- همراه عروس - از وسایل نقلیه همگانی - سرشت و طبیعت
۸- جنگ کردن - پرنده‌ای با پرواز سریع - سیر و تماشا
۹- پسوند آلودگی - نگاه کردن - سخت و ناگوار
۱۰- جانشین «او» - گدا - رازقی - راستی
۱۱- مشغول به کار - گشادگی - جنس جنگجو
۱۲- خواهر و برادر هم‌خون - گریزان - برومند، رستگار
۱۳- به‌درد بخور و سودمند - پسر فریدون - تیم بابل
۱۴- اداره عالی - شهر تیم فوتبال «چلسی» - مرحله دوم زراعت
۱۵- زندان موقت - میوه پرورده در سرکه

عمودی

۱- بازی‌بین و نظاره‌گر - وسیله‌ای در آشپزخانه
۲- ابتدا نداشتن - از حواس پنج گانه - در آرزوی فرزند
۳- بی‌جان - واژگون و وارونه - مرکز استان فارس
۴- فلزی کمیاب - بعضی از بِرتشخیص ندهند - پسوند شباهت - حاصل گندم
۵- سراینده - به پیشروی خشکی در آب گویند - لنگه
۶- عضو تیم فوتبال - قهوه‌خانه - سازمانی که به صید، توزیع و فروش ماهی می‌پردازد
۷- عقیده انتخاباتی - فوتبال درون‌سالن - شیرینی تر
۸- دسته و گروه مردم - تعجب غلیظ! - از مواد نقاشی
۹- شماره بین‌المللی کتاب - ماهر - سوا
۱۰- پادگان - نسبت زن و شوهر به هم - پاسخ دلگیر کننده
۱۱- کلام تأیید نظر مخاطب - کشورداری - پراکنده کننده
۱۲- دانای قوم - از هوامی گیرند! - بازیکن فقید کامرونی - دیدار از بیمار
۱۳- مساوی، هم‌سنگ - آزاد شده - سرزمین
۱۴- پایتخت «پرو» - دچار آزردگی عاطفی شدن - جذب کردن
۱۵- گلی زیبا و خوشبو - پایبند به قانون

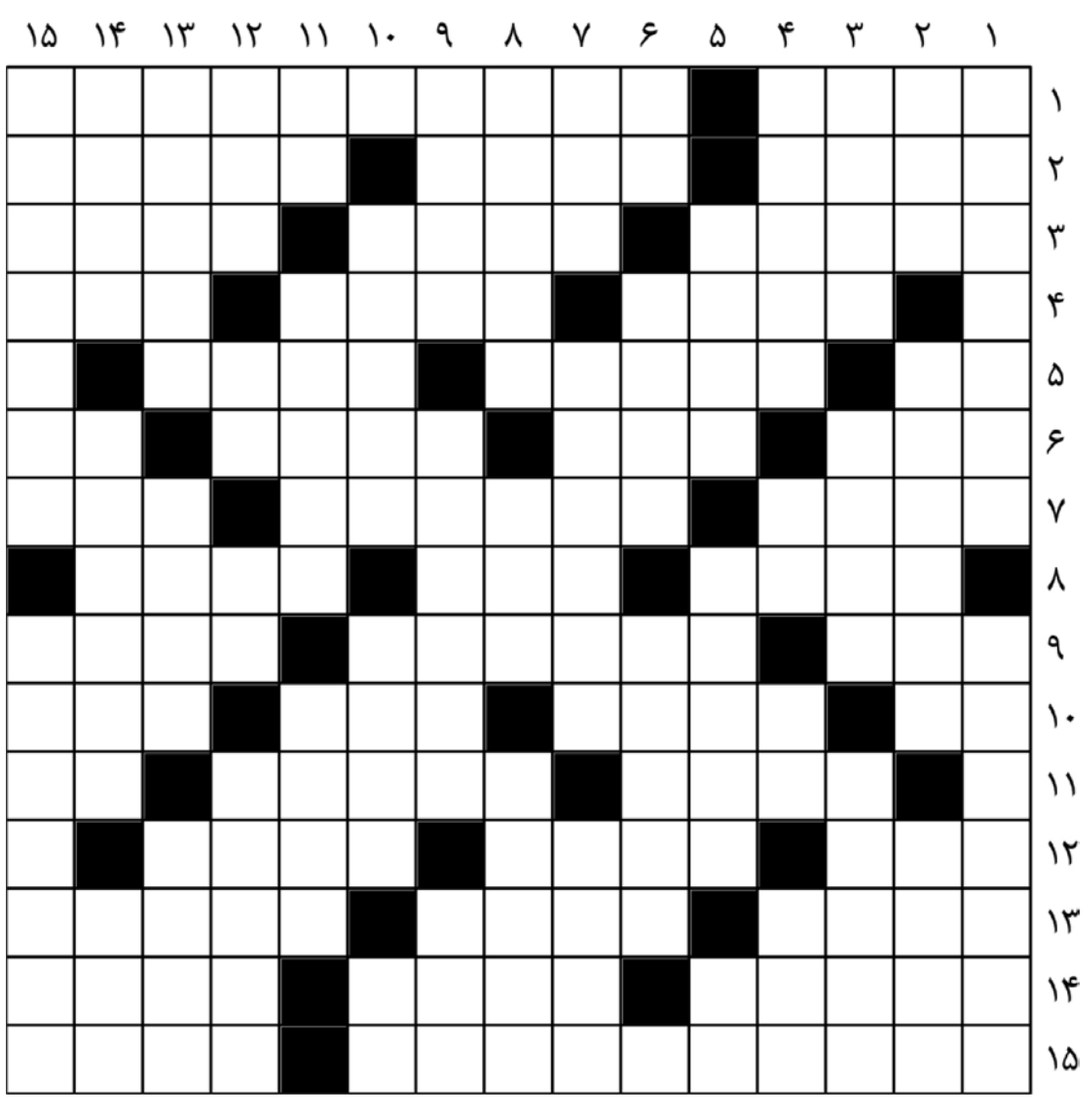
جدول ویژه

افقی

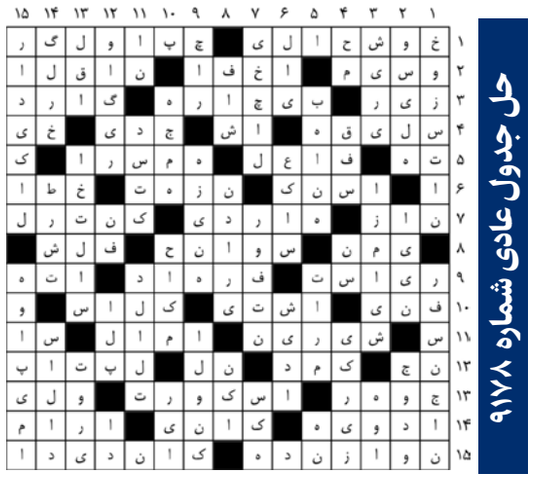
۱- نفس کشیدن - پیرابالینی
۲- کهولت - لهجه - خوشمزه
۳- مانند هم - مخترع هواپیما - جمع نکته
۴- ساحل - سازمان بهره‌وری انرژی ایران - سید، سرور
۵- گذشتن - مورخ یونان باستان - یکی از ایالات «هند»
۶- بلدرچین - وسیله دفاعی قدیم - دروازه بدن! - مساوی عامیانه
۷- سرباز بحری - سدی در استان آذربایجان شرقی - شرکتی کامیون‌ساز
۸- آنفلونزا - خسیس‌تر - بحثی در روان‌شناسی
۹- بی‌نیاز و توانگر - نوعی سس معمولاً غلیظ - نافرمان و سرکش
۱۰- یک و یک - تعیین شده - معلق - یک نوع کشتی جنگی بزرگ
۱۱- چیرگی - دلیری - رود اروپایی
۱۲- دختر زئوس - کبوتر صحرایی - سومین خودروی ملی
۱۳- اتاق راه‌آهن - جناح چپ - پس و پی
۱۴- جدا کردن - شیرینی محلی تبریز - مسابقه دو تیم همشهری
۱۵- پدر رمان تاریخی - حقیقت شیء یا شخص

عمودی

۱- یکی از آثار ملی ایران در شهرستان «درگز» - اثر دیدنی بهشهر
۲- فیلمی با حضور نگار عابدی - طول - گلر فرانسه در جام جهانی ۱۹۹۸
۳- نقاشی دیواری - شیرینی خوشمزه - کشور آفریقایی
۴- جرم آسمانی - حرف انتخاب - کم‌رنگ - آهنگ
۵- میوه کال - سوغات بوشهر - فرتوت
۶- روشی برای غذا دادن به بیمار - تازه به راه افتاده - لباس کودکان
۷- مشت تودهنی - شهرکی در بابلسر - بنیاد
۸- فرمانروایی، سروری - دهخدا - بارم
۹- چیزها - برنج مرغوبی که کمتر کاشته می‌شود - تزویر
۱۰- فساد و نابودی - رهاورد زلزله - واحد تنیس
۱۱- رنج - اسیری و گرفتاری - علامت و سمبل
۱۲- گروهی از اتم‌ها - یک لحظه - قیمت واحد - عنکبوت
۱۳- بی‌بهره و نامراد - محل، موضع - بالای چشم
۱۴- زین و برگ - لقب ابوبکر - از رنگ‌ها
۱۵- نوعی قایق - فیبر سفید



حل جدول عادی شماره ۹۱۷۸



حل جدول ویژه شماره ۹۱۷۸

